

بررسی موانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران

علی رحمانی*
فائزه محمدی اروجه**

چکیده

موسسات بزرگ حسابرسی، نتیجه صدها سال ادغام و تحصیل هستند. ادغام ممکن است به دلیل کاهش هزینه، کارایی بیشتر، افزایش سهم بازار، بهبود کیفیت خدمات، افزایش قیمت خدمات و در نهایت سودآوری بالاتر، برای شرکای حسابرسی مطلوبیت داشته باشد. از طرفی، نتایج متناقضی در مورد آثار منفی ادغام بر بازار حسابرسی وجود دارد.

در این پژوهش، با توجه به ادبیات موضوع، ۹ فرضیه به عنوان موانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران و از دیدگاه شرکای موسسات حسابرسی مورد بررسی قرار گرفتند. داده های از طریق پرسشنامه جمع آوری گردید و از آزمون میانگین یک جامعه و آزمون فریدمن در تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است.

نتایج نشان می دهند که از میان فرضیه های مورد آزمون به ترتیب، ساختار و ویژگی های فرهنگی، ساختار سرمایه و مالکیت، ساختار بازار خدمات حسابرسی و عدم آشنایی شرکای موسسات حسابرسی با مزایای ادغام به عنوان موانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران مطرح اند.

واژه های کلیدی: ادغام، اندازه موسسه حسابرسی، صرفه جویی اقتصادی ناشی از مقیاس، ساختار و ویژگی های فرهنگی، بازار خدمات حسابرسی، ساختار سرمایه و مالکیت

* استادیار دانشگاه الزهراء(س)

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء(س)



مقدمه

طی دهه های گذشته بازار خدمات حسابرسی در سطح بین المللی، شاهد تغییرات زیادی بوده که از مهمترین آنها، ادغام موسسات حسابرسی با یکدیگر و تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ است. انگیزه‌هایی مانند ورود به بازارهای جدید، بهبود تحقیق و توسعه و دستیابی به فناوری های جدید، رشد، صرفه جویی های اقتصادی ناشی از مقیاس، جهانی شدن، نیاز به تخصص در صنعت به دلیل پیچیده تر شدن فعالیت های صاحبکاران و حفظ یا افزایش سهم بازار نقش قابل ملاحظه‌ای در ادغام موسسات حسابرسی داشته اند. اگر حرفه حسابرسی ایران بخواهد سهمی از بازار جهانی خدمات حسابرسی را داشته باشد یا در آینده با آزاد سازی خدمات حسابرسی خارجی در ایران، یا ورود شرکت های ایرانی به بازارهای سرمایه خارجی سهم خود را حفظ کند، به ناچار باید موسسات حسابرسی بزرگ شکل گیرد. برای دولت و مقامات ناظر در بازارهای پول و سرمایه نیز موسسات حسابرسی بزرگ اهمیت دارند، زیرا این موسسات می توانند استقلال خود را بهتر حفظ کنند، فناوری حسابرسی را ارتقا دهند، کار با کیفیت تری را از طریق تخصص گرایی و کاهش ریسک تجاری انجام دهند و به بهبود کارکرد حسابرسی در اقتصاد ایران کمک کنند.

با توجه به متفاوت بودن ساختار بازار حسابرسی ایران که ناشی از گستردگی اقتصاد دولتی است و وجود سازمان حسابرسی به عنوان بزرگترین موسسه حسابرسی کشور که رقیبی در بازار حسابرسی شرکت ها و موسسات دولتی ندارد، مباحث متفاوتی در مورد تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ، عوامل مؤثر، آثار و موانع آن مطرح می شود.

از سوالات اساسی این است که چرا در ایران، موسسات حسابرسی بزرگ غیر دولتی شکل نگرفته است؟ در این تحقیق به بررسی موانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران و اولویت بندی آنها می پردازیم. شناخت بهتر این موانع می تواند مقدمه ای برای رفع موانع موجود باشد.

بیان مساله

موسسات حسابرسی بزرگ

موسسات حسابرسی بزرگ نسبت به موسسات کوچک، خدمات با کیفیت تری را به صاحبکار مشخص ارائه می کنند، زیرا وابستگی اقتصادی به صاحبکار در مورد موسسات بزرگ کم اهمیت است و همچنین در صورت قصور حسابرسی، موسسات حسابرسی بزرگ تر اعتبار بیشتری را نسبت



به موسسات کوچک تر از دست می دهند (DeAngelo, ۱۹۸۱).

محمد سوری و کر بهاری (۲۰۰۶) به بررسی تاثیر اعتبار حسابرس (اندازه موسسه حسابرسی) بر استقلال حسابرس پرداخته اند. نتایج این تحقیق نشان می دهد که اکثر پاسخ دهندگان بر این باورند که در مورد همه مسائل مربوط به اعتبار، حسابرسان چهار موسسه بزرگ حسابرسی نسبت به همکاران خود در سایر موسسات برتری دارند. آن ها در توجیه نتایج خود دلایلی را مطرح کرده اند. اول این که حسابرسان چهار موسسه بزرگ حسابرسی بهتر قادرند در مقابل فشار مدیریت در موقعیت های نابسامان مقاومت کنند. دوم این که حسابرسان چهار موسسه بزرگ در کشف فعالیت های موثر بر تداوم فعالیت صاحبکاران کارا تر عمل می کنند. سوم این که حسابرسان چهار موسسه بزرگ ریسک گریز تر هستند و در نتیجه تمایل کمتری به همکاری در رسوایی های گسترده و قصور حسابرسی دارند. در نهایت، موسسات بزرگ حسابرسی نسبت به موسسات کوچکتر، مستقل تر عمل می کنند (Muhamad Suri & Karbhari, ۲۰۰۶).

ادغام موسسات حسابرسی؛ راهی برای رشد

امروزه موسسات بزرگ حسابرسی، به ویژه چهار موسسه بزرگ، نتیجه صدها سال ادغام و تحصیل هستند و به نظر نمی رسد این الگو در قرن ۲۱ محدودتر شود. رشد اندازه شرکت ها از طریق ادغام با رقبا، از پیشرفت های اقتصاد مدرن است. هیچ شرکت آمریکایی بزرگی وجود ندارد که از طریق ادغام رشد نکرده باشد (Stigler, ۱۹۵۰).

ادغام را می توان از دو دیدگاه قانونی و اقتصادی تعریف کرد. دیدگاه قانونی بر ساختار قانونی مورد استفاده برای انجام معاملات تاکید می کند و بر اساس آن، ادغام ترکیب میان دو یا بیش از دو موسسه است که در اثر آن تنها یک موسسه به طور قانونی ایجاد می شود یا باقی می ماند و سازمان های ادغام شده تحت عنوان موسسه جدید فعالیت خواهند کرد. از دیدگاه اقتصادی، ادغام به سه دسته افقی، عمودی و متنوع^۱ تقسیم می شود. طبقه بندی ادغام ها به زمینه فعالیت موسسات ادغام شده و موقعیت آن ها در زنجیره ارزش شرکتی بستگی دارد (Depamphilis, ۲۰۱۰). در حرفه حسابرسی منظور ادغام افقی است.

انگیزه های ادغام موسسات حسابرسی

بدون شک از دلایل ادغام موسسات حسابرسی، جهانی شدن فعالیت های صاحبکاران و نیاز



به ارائه خدمات به این شرکت ها در سطح بین المللی است. ادغام از راه های بزرگ تر شدن موسسات است و همین امر یکی از انگیزه های موسسات برای ادغام نیز می باشد (Bond, ۲۰۱۰). تیچی (۲۰۰۱) مروری جامع بر انگیزه های ادغام موسسات انجام داده است. او پنج دلیل توجیه درآمدی، توجیه هزینه ای، توجیه عکس العمل، توجیه مدیریتی و توجیه ریسک را در توجیه ادغام ها موثر می داند.

- یکی از انگیزه های بالقوه ادغام، توجیه درآمدی است. انگیزه مبتنی بر درآمد نشان دهنده توانایی موسسات ادغام شده در مورد افزایش درآمد از دو طریق افزایش اعمال قدرت بر بازار (ناشی از افزایش تمرکز) و هم افزایی درآمد^۲ می باشد.

- یکی دیگر از انگیزه های ادغام، توجیه مبتنی بر هزینه است. این توجیه نشان دهنده توانایی موسسات ادغام شده در مورد صرفه جویی در هزینه ها از طریق کاهش هزینه های تولید یا توزیع است.

- دسته سوم توجیهات ادغام بر مبنای عکس العمل سازمان ها به تغییر شرایط رقابتی یا صنعت است (Harford, ۲۰۰۵). همچنین شواهد نشان می دهد موسسات ارائه خدمات حرفه ای، از ادغام و تحصیل به عنوان واکنشی در مقابل شرایط فعالیت فعلی یا مورد انتظار آتی استفاده می کنند (Bond, ۲۰۱۰).

- توجیه مدیریتی ادغام توسط مولرین و بون (۲۰۰۰) به عنوان "نظریه عدم هم افزایی"^۳ مطرح شده و نشان می دهد که ممکن است محرک های ادغام بیشتر به نفع مدیران و نه در جهت منافع سهام داران باشد. البته باید توجه داشت که ادغام موسسات حسابرسی با ادغام شرکت ها تفاوت دارد که این تفاوت ناشی از شکل قانونی شراکت در موسسات حسابرسی و شرکت های سهامی است. در نتیجه به نظر می رسد توجیه مدیریتی برای ادغام که معمولاً به کاهش ثروت سهام داران منجر می شود، در ادغام موسسات حسابرسی نقش با اهمیتی نداشته باشد.

- آخرین توجیه که توسط تیچی (۲۰۰۱) برای ادغام مطرح می شود این است که سازمان ها از ادغام برای تنوع بخشی و توزیع ریسک استفاده می کنند.

سولیوان (۲۰۰۰) معتقد است دلایل زیادی برای ادغام موسسات حسابرسی وجود دارد که برخی در جهت افزایش رفاه مشتریان و برخی در جهت کاهش آن است. او چهار انگیزه کاهش هزینه نهایی کل، کاهش هزینه نهایی صاحبکاران بزرگ، آثار هماهنگی و آثار ضد رقابتی یک سوپه



را برای ادغام مؤسسات حسابرسی مطرح می کند.

کاهش هزینه نهایی کل، ادغام مؤسسات حسابرسی به شیوه های مختلف هزینه نهایی مؤسسات ادغام شده را کاهش می دهد. کاهش هزینه نهایی برای صاحبکاران بزرگ، بخشی از کاهش هزینه های نهایی، بیشتر برای کاهش هزینه های حسابرسی صاحبکاران بزرگ است تا صاحبکاران کوچک. هماهنگی رفتار، ادغام، همدستی رقبا را جهت افزایش قیمت تسهیل می کند. این هماهنگی رفتار می تواند شامل توافق ضمنی یا آشکار برای افزایش حق الزحمه یا عدم جذب صاحبکاران رقابتی حاضر در این توافق برای ارائه خدمات باشد. آثار یک جانبه، هرگاه ادغام موجب کاهش رقابت شود، قیمت ها افزایش می یابد حتی اگر عرضه کنندگان قیمت ها را با هماهنگی (چه به طور ضمنی و چه آشکار) بالا نبرند. این افزایش قیمت، آثار یک جانبه نامیده می شود زیرا تصمیم مبنی بر افزایش قیمت به طور مستقل و بدون هماهنگی میان رقبا گرفته شده است (Sullivan, ۲۰۰۰).

مزایای ادغام و آثار آن بر بازار خدمات حسابرسی

تحقیقات به عمل آمده نشان می دهد که هم افزایی از عوامل موثر در ادغام سازمان هاست و آن را به عنوان توانایی بیشینه کردن نقاط قوت مکمل سازمان های ادغام شده، برای دستیابی به اهداف مشخص تعریف می کنند (Lawrence & Glover, ۱۹۹۸). بزرگ تر شدن مؤسسات موجب افزایش کارایی از طریق آموزش عمومی و کاهش هزینه های حسابرسی می شود. همچنین پوشش بین المللی برای صاحبکاران ایجاد می کند و همانطور که هانلون (۱۹۹۴) اشاره می کند، موجب افزایش پوشش جغرافیایی می گردد.

مطالعات در مورد ادغام مؤسسات حسابرسی بزرگ نشان می دهد که ادغام ها، اعتبار مناسبی را ایجاد کرده اند که از توسعه نام تجاری و تخصص مؤسسات ادغام شده جدید، ناشی می شوند (Ferguson & Stokes, ۲۰۰۲). انتظار می رود که مؤسسات ادغام شده با استفاده از منابع بیشتر و سطح بالاتری از تخصص، قدرت بر بازار و کارایی حسابرسی را افزایش دهند (Ivancevich & Zardkoohi, ۲۰۰۰). شواهدی نشان می دهد فعالیت های ادغام، این فرصت را برای مؤسسات ادغام شده فراهم کرده تا از طریق تخصص در صنعت و رهبری صنعت کیفیت خدمات حسابرسی خود را بهبود بخشند. ادغام ممکن است به دلیل کاهش هزینه، کارایی بیشتر، افزایش سهم بازار، افزایش قیمت خدمات و در نهایت سودآوری بالاتر، برای شرکای حسابرسی



مطلوبیت داشته باشد.

برخی بر این اعتقادند که افزایش تمرکز بازار در نتیجه ادغام‌ها، موجب کاهش رقابت و در نتیجه باعث افزایش قیمت می‌شود. به طور کلی نتایج متناقضی در مورد آثار منفی ادغام بر بازار حسابرسی وجود دارد. برخی تحقیقات نشان می‌دهند که به رغم وجود تمرکز زیاد در بازار حسابرسی در سطح بین‌المللی، شواهدی مبنی بر تاثیر منفی آن بر قیمت گذاری رقابتی مشاهده نشده است. از طرف دیگر ادغام‌های سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۸ در سطح بین‌المللی، به افزایش برخی شاخص‌های اصلی تمرکز منجر شده است. این شاخص‌ها نشان می‌دهند که بازارهای حسابرسی به میزان قابل ملاحظه‌ای متمرکز شده‌اند و این امر منجر به توانایی چهار موسسه حسابرسی بزرگ در اعمال قدرت بر بازار شده است (GAO, ۲۰۰۳).

همواره مهمترین نگرانی رسانه‌ها، افراد دانشگاهی و قانونگذاران، کاهش رقابت در بازار خدمات حسابرسی پس از هر ادغام بوده است و اکثر تحقیقات دانشگاهی در مورد این نگرانی بر دو عامل اصلی تاثیر ادغام‌ها بر میزان تمرکز در بازار خدمات حسابرسی و تاثیر ادغام‌ها بر میزان رقابت در این بازار تاکید دارند (Bond, ۲۰۱۰).

موانع ادغام موسسات حسابرسی

برخی از موانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ از طریق ادغام شامل امکان ایجاد تضاد منافع در نتیجه ادغام و از دست دادن برخی از صاحبکاران، دشواری مذاکرات میان تک تک شعب و حتی شرکای موسسات حسابرسی، نبود دانش کافی در مورد مزایای ادغام (Wootton, Wolk & Normand, ۲۰۰۳)، نبود موسسه مناسب برای ادغام، عدم تمایل نسبت به واگذاری مدیریت و ترس از تغییر (Fligel, ۲۰۰۷) است.

عدم موفقیت برخی ادغام‌ها نشان دهنده تفاوت میان "تناسب راهبردی" و "تناسب سازمانی" میان موسسات است. گرینوود و همکاران (۱۹۹۴) به این نکته اشاره می‌کنند که مذاکرات اولیه ادغام بیشتر بر "تناسب راهبردی" میان دو موسسه، مانند صرفه جویی اقتصادی ناشی از مقیاس، تخصص گرایی بیشتر و بهبود پوشش جغرافیایی تاکید دارد. در مقابل، معمولاً توجه کمتری به "تناسب سازمانی" می‌شود که بیشتر بر ساختار موسسه، فرآیندهای تصمیم‌گیری و عوامل فرهنگی متمرکز است (Greenwood, Hinings & Brown, ۱۹۹۴).





جونز (۱۹۹۵) در بررسی عدم پذیرش ادغام نشان می دهد که شرکا معمولاً بر مبنای میزانی به ادغام رای می دهند که بر منابع آن ها تاثیر می گذارد و نه بر مبنای ارزش آن برای سازمان در سطح بین المللی. همچنین شرکای انگلیسی بر این باورند که دستیابی به رشد و منابع جدید، نیازی به ادغام ندارد و نگران این موضوع هستند که فرهنگ درون سازمانی آن ها از طریق ادغام ضربه ببیند (Jones, ۱۹۹۵).

این فرض قابل بررسی وجود دارد که ساختار قانونی موسسات حسابرسی مانع ادغام موسسات حسابرسی در ایران است. در اساسنامه جامعه حسابداران رسمی ایران، انجام حسابرسی به صورت انفرادی یا تشکیل موسسه حسابرسی پیش بینی شده است. بر اساس ماده ۵۹ اساسنامه این جامعه و ماده ۱۹ اساسنامه نمونه موسسات حسابرسی، در صورت خسارت به اشخاص ثالث، شریکان موسسه حسابرسی در قبال اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.

در ایالات متحده و پس از بحران مسئولیت در دهه ۱۹۹۰، بسیاری از مؤسسات حسابرسی ساختار سازمانی خود را به با مسئولیت محدود تغییر دادند. قانون شرکت های با مسئولیت محدود از ثروت شخصی شرکای موسسات حسابرسی در مقابل ادعاهای مربوط به صاحبکاران شرکای دیگر محافظت می کند. یعنی شریک موسسه حسابرسی شخصاً مسئول اقدامات اشتباه شریکش که تحت کنترل وی نیست نمی باشد، اما مسئول اشتباهات خود است. البته این قانون تنها در زمان خاتمه شراکت برقرار است. قانون شرکت های با مسئولیت محدود از دارایی های مؤسسه و سرمایه شرکا در مقابل ادعاهای قانونی دفاع نمی کند. به علاوه در ایالات مختلف معمولاً شرکت های با مسئولیت محدود، ملزم به نگهداری تضمین برای بدهی های آتی از طریق بیمه یا گواهی های بانکی هستند (Liu, ۲۰۰۲).

با توجه به متفاوت بودن ساختار بازار حسابرسی ایران که ناشی از اقتصاد دولتی آن و وجود سازمان حسابرسی به عنوان بزرگترین موسسه حسابرسی کشور است که رقابتی در بازار حسابرسی شرکت ها و موسسات دولتی ندارد، مباحث متفاوتی در مورد تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ، عوامل موثر، آثار و موانع آن مطرح می شود. از نظر دوانی (۱۳۸۵) آنچه اهمیت دارد این است که ابتدا باید ضرورت بزرگ شدن برای خود موسسات پیش آید. ضمن آن که باید محدودیت های خاص مطرح در اساسنامه موسسات عضو جامعه حسابداران رسمی در مورد شکل قانونی موسسات به صورت مسئولیت نامحدود یا تضامنی را نیز مدنظر قرار داد.

پیشینه پژوهش

پونگ و برنت (۲۰۰۶) سهم بازار و حق الزحمه موسسه پرایس واتر هاوس کوپرز در انگلستان را قبل و بعد از ادغام بررسی کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که افزایش تمرکز در بازار خدمات حسابرسی که در نتیجه ادغام‌ها ایجاد شده منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی نشده است. به علاوه به رغم آن که ادغام، موسسه پرایس واتر هاوس را قادر ساخته تا رهبری خود بر بازار را افزایش دهد اما رهبری در سطح شهر و صنعت خاص، موجب ایجاد مازاد حق الزحمه حسابرسی نشده است (Pong & Burnett, ۲۰۰۶).

مک میکینگ و همکاران (۲۰۰۷) به بررسی آثار ادغام موسسات حسابرسی بر تمرکز بازار، رقابت و حق الزحمه حسابرسی در انگلستان می‌پردازند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سهم بازار موسسات بزرگ بین سال‌های ۱۹۸۵ و ۲۰۰۲ از طریق ادغام و ورود به بخش‌های جدید افزایش یافته است، هرچند به رغم باور عمومی، کاهش حق الزحمه حسابرسی دهه ۱۹۸۰، طی دهه ۱۹۹۰ ادامه نیافته است (McMeeking, Peasnell & Pope, ۲۰۰۷).

رحمت و همکاران (۲۰۱۰) به دنبال بررسی این موضوع هستند که آیا موسسات ادغام شده می‌توانند در مقایسه با پنج موسسه بزرگ متخصص در صنعت یا پنج موسسه بزرگ غیر متخصص در صنعت مازاد حق الزحمه حسابرسی ایجاد کنند یا خیر. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که موسسات ادغام شده، مازاد حق الزحمه‌ای را نسبت به پنج موسسه بزرگ متخصص در صنعت و پنج موسسه بزرگ غیر متخصص در صنعت (در صناعی که تخصص میان حسابرسان مطرح است) دریافت نمی‌کنند. همچنین موسسات ادغام شده نسبت به پنج موسسه بزرگ غیر متخصص در صنعت در صناعی که در آن تخصص مطرح نیست، مازاد حق الزحمه دریافت نمی‌کنند. هرچند نتایج نشان می‌دهد که موسسات ادغام شده نسبت به پنج موسسه بزرگ متخصص و غیر متخصص در مورد شرکت‌های کوچک در صنایع نیازمند تخصص، مازاد حق الزحمه حسابرسی را به دست می‌آورند (Rahmat, Iskandar & Osman, ۲۰۱۰).

باند (۲۰۱۰) رقابت در بازار خدمات حسابرسی استرالیا پس از ادغام موسسات آرتور اندرسون و ارنست اند یانگ را مورد بررسی قرار داده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بازار خدمات حسابرسی در استرالیا پس از این ادغام همچنان رقابتی است. با وجود این ممکن است تغییرات در میزان تمرکز بازار موجب ایجاد آثار ضد رقابتی شود (Bond, ۲۰۱۰).





چن و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی رابطه حسابرس و صاحبکار پس از ادغام یکی از موسسات حسابرسی محلی چین با یکی از چهار موسسه بزرگ می پردازد. نتایج این مطالعه نشان می دهد که علت اصلی تغییر حسابرس از چهار موسسه بزرگ به موسسات محلی توسط صاحبکار، رفتارهای حسابرسی ملایم تر است و نمی توان به طور قطع گفت موسسه محلی بسیاری از صاحبکاران خود را به دلیل نبود تناسب مدیریتی و فرهنگی پس از ادغام از دست داده است (Chen, Su & Wu, ۲۰۱۰).

حساس یگانه و آذین فر (۱۳۸۹) به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه حسابرس (موسسه حسابرسی) بین سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ در ایران پرداخته اند. به همین منظور موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی در زمره حسابرس کوچک (موسسات حسابرسی کوچک) و سازمان حسابرسی به دلیل کارکنان زیاد و قدمت بیشتر در زمره حسابرس بزرگ قرار می گیرند. تجزیه و تحلیل های آماری صورت گرفته در این پژوهش مبین رابطه معنادار و معکوس کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی است.

انصاری و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی این موضوع می پردازند که آیا اندازه موسسه حسابرسی و اندازه شرکت صاحبکار در شرایط ارائه همزمان خدمات حسابرسی و غیر حسابرسی می تواند بر استقلال حسابرسی تاثیر داشته باشد. نتایج به دست آمده از این تحقیق، حاکی از آن است که موسسه حسابرسی و شرکت صاحبکار چه بزرگ باشند و چه کوچک، به هر حال ارائه خدمات حسابرسی و غیر حسابرسی به طور همزمان بر استقلال حسابرسی تاثیر می گذارد.

اهداف پژوهش و ضرورت آن

بررسی موانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ دارای مزایایی برای افرادی است که به دنبال شناخت بازار حسابرسی هستند به ویژه موسساتی که به دنبال ادغام هستند، صاحبکارانی که تحت تاثیر ادغام قرار می گیرند و همچنین سرمایه گذاران و قانون گذاران (سولیوان، ۲۰۰۲). به علاوه، کیفیت خدمات موسسات ادغام شده برای شرکت ها نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. شرکت ها، به عنوان صاحبکار موسسه حسابرسی از مزایای حسابرسی مستقل و باکیفیت، منتفع خواهند شد. موسسات حسابرسی می توانند از طریق آشنایی با منافع حاصل از ادغام، در صدد برطرف کردن موانع آن برآیند تا از این طریق هم به کیفیت، استقلال و تخصص در صنعت دست یابند و هم

بتوانند از سایر مزایای آن مانند صرفه جویی های ناشی از مقیاس بهره برند. به علاوه، سرمایه گذاران نیز قبل از سرمایه گذاری در یک شرکت به کیفیت حسابرسی آن اهمیت می دهند. همچنین این مطالعه بینش مفیدی را برای قانون گذاران و مراجع نظارتی، مانند جامعه حسابداران رسمی ایران فراهم می کند. در صورتی که موانع ادغام موسسات بررسی و شناسایی شود، قانون گذاران و مراجع نظارتی می توانند نسبت به رفع آن همت گمارند.

فرضیه های پژوهش

فرضیه های پژوهش به این شرح است:

۱. قوانین و مقررات حاکم بر موسسات حسابرسی، مانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران می شود.
۲. ساختار سرمایه و مالکیت در کشور، مانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران می شود.
۳. ساختار بازار خدمات حسابرسی در ایران، مانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران می شود.
۴. بالا بودن هزینه های ادغام و زمان بر بودن آن، مانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران می شود.
۵. عدم آشنایی شرکای موسسات حسابرسی با مزایای ادغام، مانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران می شود.
۶. نگرانی از واکنش صاحبکاران و کارکنان پس از ادغام، مانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران می شود.
۷. ساختار و ویژگی های فرهنگی در کشور، مانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران می شود.
۸. عدم توجه به کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرس، مانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران می شود.
۹. نگرانی از آثار منفی ادغام، مانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران می شود.



روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر از جمله تحقیقات پیمایشی است و در آن از پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. مقیاس اندازه‌گیری به کار رفته در این تحقیق، طیف لیکرت می‌باشد. سوالات پرسشنامه از طریق الگوی مفهومی پژوهش و با استفاده از مفاهیم استخراج شده از تحقیقات انجام شده قبلی تهیه گردید. در پرسشنامه، ابتدا میزان موافقت پاسخگویان با تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران و سپس ۴۵ سوال در رابطه با فرضیه‌های پژوهش مورد پرسش قرار گرفت.

جامعه آماری

با توجه به این که ادغام و تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در سطح شرکای موسسات حسابرسی مطرح است، شرکای موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، جامعه آماری این پژوهش است.

نمونه آماری و نحوه جمع‌آوری آن

طبق اطلاعات منتشر شده در سایت جامعه حسابداران رسمی ایران تعداد شاغلان شریک موسسه در تاریخ ۱۲ آذر ماه ۱۳۹۰ حدود ۷۶۵ نفر می‌باشد. با توجه به محدود بودن جامعه آماری، از فرمول زیر جهت تعیین حجم نمونه استفاده می‌شود:

$$n = \frac{N \times z_{\alpha/2}^2 \times p q}{d^2 (N-1) + z_{\alpha/2}^2 \times p q} \Rightarrow n = \frac{(765)(1.96)^2(0.5)(0.5)}{(0.09)^2(764) + (1.96)^2(0.5)(0.5)} \cong 103$$

که در آن:

N: اندازه جامعه

Z: مقدار متغیر استاندارد شده در واحد متناظر با سطح اطمینان

p: نسبت موفقیت (تأیید) فرضیه

q: نسبت شکست (رد) فرضیه

d: خطای برآورد نمونه

حداقل حجم نمونه با سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۹ درصد، تعداد ۱۰۳ نمونه می‌باشد. ۶۰۰ پرسشنامه از طریق اینترنت به رایانامه شرکای موسسات حسابرسی (ارائه شده در سایت



جامعه حسابداران رسمی ایران) ارسال و ۱۸۰ پرسشنامه به صورت حضوری میان شرکای موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران در تهران و در نشست ماهانه اعضای جامعه حسابداران رسمی در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۹۰ توزیع گردید. توزیع پرسشنامه ها از تاریخ ۱۰ دی ماه ۱۳۹۰ آغاز شد و جمع آوری آن یک ماه به طول انجامید. در نهایت تعداد ۱۰ پاسخ از طریق اینترنت و ۱۰۷ پاسخ حضوری (مجموعاً ۱۱۷ پاسخ) دریافت گردید که ۱۴ عدد به دلیل تکمیل توسط افراد در رده های سرپرست و مدیر غیر قابل استفاده بود و در نهایت ۱۰۳ پرسشنامه کامل و مورد قبول در تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار گرفت.

پایایی پرسشنامه

پایایی ابزار اندازه گیری، یعنی این که ابزار اندازه گیری انتخاب شده، در صورت تکرار اندازه گیری متغیرها در شرایط یکسان، تا چه حد نتایج مشابهی را ارائه می کند (خاکی، ۱۳۸۷). در تحقیق حاضر، از معیار آلفای کرونباخ برای آزمون ثبات نتایج اندازه گیری استفاده شد. مقدار آلفا ۰.۸۹۷ به دست آمد که نشان دهنده میزان پایایی مطلوب پرسشنامه است.

روایی پرسشنامه

از دیگر موضوعات اصلی در مورد ابزار اندازه گیری، اعتبار آن است. اعتبار یا روایی یعنی این که ابزار اندازه گیری تا چه حد مناسب انتخاب شده است و می تواند متغیر مورد نظر را اندازه گیری کند (خاکی، ۱۳۸۷).

در این پژوهش با استفاده از الگوی تحلیلی تلاش شد مواردی در پرسشنامه مطرح گردد که در سایر تحقیقات معتبر مورد بررسی و تایید قرار گرفته بود. سپس پرسشنامه اولیه بین تعدادی از شرکای حسابرسی توزیع شد. از این افراد خواسته شده بود که ابزار اندازه گیری را بررسی و هرگونه تغییر ضروری را پیشنهاد نمایند. پاسخهای دریافتی منجر به تغییرات کوچکی در بعضی اقلام شد تا پرسشنامه قابلیت درک بیشتری پیدا کند.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزارهای SPSS و Excel استفاده



شد. در آزمون فرضیه‌های تحقیق روش آماری مقایسه میانگین‌ها (آزمون t) مورد استفاده قرار گرفت. همچنین از آزمون فریدمن برای بررسی یکسان بودن اولویت بندی (رتبه بندی) تعدادی از متغیرهای وابسته توسط افراد استفاده می‌شود.

بررسی فرضیه‌های پژوهش

در پرسشنامه ابتدا میزان موافقت پاسخگویان با تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران مورد پرسش قرار گرفت که نتایج آن در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱- میزان موافقت با تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران

Sig	df	t*	میانگین بدست آمده	تعداد
۰,۰۰۰	۱۰۲	۸,۵۸	۳,۹۶	۱۰۳

*از آن جا که طیف مورد سنجش ۵ گزینه ای بوده است، میانگین نظری ۳ در نظر گرفته شده است.

یافته ها نشان می دهد که سطح معنی داری بدست آمده کمتر از حداقل مقدار قابل پذیرش است ($P < 0/05$). بنابراین پاسخگویان با تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران موافق هستند. بررسی فرضیه های پژوهش از طریق آزمون میانگین یک جامعه (One-sample T-test) انجام و نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه گردیده است. از آن جا که طیف مورد سنجش ۵ گزینه ای بوده است، میانگین نظری ۳ در نظر گرفته شده است ($P < 0/05$).



جدول شماره ۲- دیدگاه پاسخ دهندگان در خصوص موانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران

فرضیات	میلگین	T	df	Sig	فاصله اطمینان ٪۹۵		موانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران
					حد پایین	حد بالا	
قوانین و مقررات	۳,۰۹	۱,۱۸	۱۰۲	۰,۲۳۹	-۰,۵۸	۰,۲۳	نیست
ساختار سرمایه و مالکیت در کشور	۳,۵۴	۶,۷۶	۱۰۲	۰,۰۰۰	۰,۳۸	۰,۷۰	است
ساختار بازار خدمات حسابرسی در ایران	۳,۲۴	۳,۲۸	۱۰۲	۰,۰۰۱	۰,۹۷	۰,۳۹	است
بالا بودن هزینه های ادغام و زمان بر بودن آن	۳,۱۲	۱,۵۵	۱۰۲	۰,۱۲۵	-۰,۳۴	۰,۲۸	نیست
عدم آشنایی شرکای موسسات حسابرسی با مزایای ادغام	۳,۲۳	۳,۷۶	۱۰۲	۰,۰۰۰	۰,۱۱	۰,۳۵	است
نگرانی از واکنش صاحبکاران و کارکنان پس از ادغام	۳,۰۴	۰,۵۳	۱۰۲	۰,۵۹۴	-۰,۱۱	۰,۱۹	نیست
ساختار و ویژگی های فرهنگی در کشور	۴,۰۰	۱۳,۴۳	۱۰۲	۰,۰۰۰	۰,۸۵	۱,۱۴	است
عدم توجه به کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرس	۳,۰۷	۰,۷۸	۱۰۲	۰,۴۳۸	-۰,۱۱	۰,۲۵	نیست
نگرانی از آثار منفی ادغام	۲,۶۱	-۵,۰۴	۱۰۲	۰,۰۰۰	-۰,۵۴	-۰,۲۴	نیست

با توجه به این که SPSS فقط می تواند ادعای برابری را مورد آزمون قرار دهد، برای قضاوت درباره ادعاهایی به صورت $\leq$ یا $\geq$ هستند، می توان از حد بالا و حد پایین استفاده کرد (مومنی، ۱۳۸۷).

با توجه به مقادیر حد بالا و حد پایین، به نظر پاسخ دهندگان از میان عوامل مورد بررسی،



ساختار سرمایه و مالکیت در کشور، ساختار بازار خدمات حسابرسی در ایران، عدم آشنایی شرکای موسسات حسابرسی با مزایای ادغام، ساختار و ویژگی های فرهنگی در کشور مانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران هستند. عوامل قوانین و مقررات، بالا بودن هزینه های ادغام و زمان بر بودن آن، نگرانی از واکنش صاحبکاران و کارکنان پس از ادغام، عدم توجه به کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرس، نگرانی از آثار منفی ادغام، نقشی در عدم تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران ندارند.

ارزیابی و تشریح نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

عوامل موثر در عدم تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران

● **ساختار و ویژگی های فرهنگی در کشور:** منظور از این عامل در پژوهش حاضر، ویژگی های فرهنگی مانند فردگرایی، گریز از نامعلومی و ترس از تغییر است. با توجه به نتایج تحقیق و آن چه پاسخگویان در پرسشنامه به طور تشریحی به آن اشاره کرده بودند، مهمترین مانع در مقابل تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران، همین عامل است. صاحبان یکی از عوامل توسعه نیافتگی ایران را فقدان فرهنگ کار تیمی در امور می دانند (عظیمی، ۱۳۷۱) و از این موضوع به عنوان یکی از ضعف های اصلی در سازمان ها نیز یاد می کنند. به علاوه آن که شرکا نگران آن هستند که فرهنگ درون سازمانی آن ها از طریق ادغام ضربه ببیند.

● **ساختار سرمایه و مالکیت در کشور:** منظور از ساختار سرمایه در این تحقیق، دولتی بودن اقتصاد ایران، عدم گسترش بخش خصوصی، کم بودن تعداد شرکت های سهامی بزرگ در ایران، عدم حضور صاحبکاران ایرانی در بازارهای خارجی و عدم حضور مستقیم شرکت های بزرگ خارجی در بازار ایران است. بدون شک از دلایل ادغام موسسات حسابرسی، جهانی شدن فعالیت های صاحبکاران و نیاز به ارائه خدمات به این شرکت ها در سطح بین المللی است (۲۰۰۳، GAO). با توجه به این که اکثر شرکت های بزرگ در ایران، دولتی هستند و بنابر الزامات قانونی و رویه معمول ملزم به واگذاری خدمات حسابرسی خود به سازمان حسابرسی هستند، این انگیزه برای ادغام موسسات حسابرسی در ایران وجود ندارد.

● **ساختار بازار خدمات حسابرسی در ایران:** با توجه به اطلاعات منتشر شده در سایت



جامعه حسابداران رسمی ایران، در تاریخ ۹ بهمن ماه ۱۳۹۰، ۲۳۷ موسسه حسابرسی عضو این جامعه هستند که از این میان ۸ درصد دارای ۲ شریک (کمتر از تعداد قابل قبول برای عضویت در جامعه)، ۶۸ درصد دارای ۳ شریک (حداقل تعداد شرکا برای عضویت در جامعه)، ۱۸ درصد دارای ۴ شریک و تنها ۶ درصد دارای ۵ و بیش از ۵ شریک هستند. البته به نظر برخی پاسخگویان حتی در موسساتی که ۳ شریک مشغول به کارند نیز هر یک به صورت جداگانه فعالیت های خود را انجام می دهند و در واقع موسسات به صورت جزیره ای اداره می شوند. تعداد زیاد موسسات حسابرسی کوچک در بازار خدمات حسابرسی ایران و رقابت شدید موجب می شود ادغام تغییر محسوسی در سهم بازار موسسات و در نتیجه کارایی عملیات نداشته باشد (۲۰۱۰ Bond)، و موجب افزایش درآمد از طریق افزایش اعمال قدرت بر بازار (ناشی از افزایش تمرکز) نشود (Kim & Signal, ۱۹۹۳). البته باید در توجیه این نتیجه تفاوت میان بازار خدمات حسابرسی در ایران و سطح بین المللی را در نظر داشت.

● عدم آشنایی شرکای موسسات حسابرسی با مزایای ادغام: نتایج به دست آمده

از این پژوهش نشان می دهد که عدم آشنایی شرکای موسسات حسابرسی بزرگ با این مزایا و همچنین عدم آشنایی آن ها با فناوری و فرهنگ اداره موسسات حسابرسی بزرگ (از جمله مباحث مربوط به تقسیم سود) موجب کاهش تمایل آن ها به ادغام شده است. از طرفی نتایج این پژوهش نشان می دهد که شرکا اساساً معتقدند که ادغام موجب کاهش هزینه ها و افزایش کارایی نمی شود. به علاوه یکی از انگیزه های ادغام این است که سازمان ها، از ادغام برای تنوع بخشی و توزیع ریسک استفاده می کنند. از دلایل این توجیه در ادغام موسسات حسابرسی عدم تفکیک میان مالکیت و کنترل در این موسسات است به این معنی که بخش عمده ای از ثروت شرکا به ثروت موسسه وابسته است و شرکا قادر نیستند مانند سهام داران ریسک خود را از طریق تنوع بخشی کاهش دهند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که شرکا نیازی به تنوع بخشی و توزیع ریسک نمی بینند و همین امر موجب کاهش تمایل آن ها به ادغام شده است.

عوامل غیر موثر در عدم تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران

● قوانین و مقررات: هر چند براساس نتایج این پژوهش عامل قوانین و مقررات به عنوان



مانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران شناخته نشده است، اما ۷۹ درصد از پاسخگویان بر این باورند که عدم وجود مقررات حمایتی برای ادغام یا بزرگ شدن موسسات حسابرسی، مانع ادغام موسسات حسابرسی است. همچنین پاسخگویان ساختار قانونی موسسات حسابرسی به شکل تضامنی را مانعی برای ادغام نمی دانند.

● بالا بودن هزینه های ادغام و زمان بر بودن آن: بر اساس یافته های این پژوهش،

هزینه ادغام موسسات حسابرسی مانعی در برابر ادغام موسسات حسابرسی نیست اما ۷۰ درصد از پاسخگویان معتقدند که افزایش کارایی عملیات در موسسات ادغام شده نیازمند سپری شدن زمان است و همین امر موجب عدم تمایل موسسات حسابرسی به ادغام شده است. یکی از پاسخگویان در یادداشتی در انتهای پرسشنامه، عدم تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران را دید کوتاه مدت شرکای موسسات حسابرسی و عدم برنامه ریزی آن ها برای بلند مدت قید کرده بود.

● نگرانی از واکنش صاحبکاران و کارکنان پس از ادغام: بر اساس یافته های این

پژوهش، این عامل تاثیری بر عدم تمایل موسسات حسابرسی به ادغام نداشته است. لازم به ذکر است که در این پژوهش، تغییر حسابرس پس از ادغام، امکان از دست دادن برخی از صاحبکاران به دلیل وجود تضاد منافع، سیاست صاحبکاران مبنی بر عدم واگذاری خدمات حسابرسی شرکت های زیرمجموعه به یک موسسه حسابرسی و امکان از دست دادن برخی از کارکنان و شرکای موسسه، به عنوان سنجه های مرتبط با این عامل مطرح شده اند.

● عدم توجه به کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرس: هرچند نتایج این تحقیق

نشان دهنده عدم تاثیر این عامل بر ادغام موسسات حسابرسی است اما ۶۶ درصد از پاسخگویان عدم استفاده از پیشرفت های فناوری در حسابرسی و در نتیجه عدم نیاز به سرمایه زیاد برای برطرف کردن نیازهای موسسات و صاحبکاران به فناوری اطلاعات را به عنوان یکی از عوامل موثر در کاهش تمایل موسسات حسابرسی به ادغام دانسته اند.

● نگرانی از آثار منفی ادغام همان طور که در قسمت ساختار بازار حسابرسی در ایران

اشاره شد، با توجه به تعداد بالای موسسات حسابرسی کوچک در ایران، نگرانی هایی که در سطح بین المللی در مورد ادغام موسسات حسابرسی وجود دارد (مانند افزایش میزان تمرکز و کاهش



میزان رقابت) مانع مهمی برای تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران نیست.

رتبه بندی موانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران از نظر

پاسخگویان

برای رتبه بندی شاخص ها از آزمون فریدمن استفاده شده است. نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد که رتبه بندی شاخص‌های مختلف در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنی دار است ($P < 0/01$).

جدول شماره ۳- رتبه بندی دیدگاه پاسخ دهندگان در خصوص موانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران

رتبه	میانگین رتبه	ابعاد
۱	۷,۶۹	ساختار و ویژگی های فرهنگی در کشور
۲	۶,۳۱	ساختار سرمایه و مالکیت در کشور
۳	۵,۰۱	ساختار بازار خدمات حسابرسی در ایران
۴	۴,۹۶	عدم آشنایی شرکای موسسات حسابرسی با مزایای ادغام
۵	۴,۷۶	بالا بودن هزینه های ادغام و زمان بر بودن آن
۶	۴,۶۴	عدم توجه به کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرس
۷	۴,۵۱	قوانین و مقررات
۸	۴,۱۹	نگرانی از عکس العمل صاحبکاران و کارکنان پس از ادغام
۹	۲,۹۲	نگرانی از آثار منفی ادغام
$\chi^2 = 203.76$ $df = 8$ $sig = 0.000$		

نتیجه گیری

در این پژوهش به بررسی موانعی پرداختیم که راه را برای تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران ناهموار می سازد، آن ها را شناسایی نموده، در معرض نظرخواهی شرکای موسسات حسابرسی قرار دادیم و سپس برای بررسی و تمرکز صحیح آن ها را رتبه بندی نمودیم. مهمترین موانع شناسایی شده در این پژوهش به ترتیب عبارتند از ساختار و ویژگی های فرهنگی در کشور، ساختار سرمایه و مالکیت در کشور، ساختار بازار خدمات حسابرسی در ایران، عدم آشنایی شرکای موسسات حسابرسی با مزایای ادغام، که مورد اول و چهارم آن مربوط به شرکای موسسات حسابرسی و عامل دوم و سوم به شرایط محیطی و بازار فعالیت موسسات حسابرسی مربوط می شود. از نظر پاسخ دهندگان، عوامل بالا بودن هزینه های ادغام و زمان بر بودن آن، عدم توجه به کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرس، قوانین و مقررات، نگرانی از واکنش صاحبکاران و کارکنان پس از ادغام و نگرانی از آثار منفی ادغام، مانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران نیستند که طبق آزمون فریدمن در رتبه های بعدی هستند.

محدودیت های تحقیق

محدودیت های این تحقیق به شرح زیر می باشد:

۱. محل جغرافیایی تحقیق شهر تهران بود. اگرچه فرض بر این است که افراد مختلف مخاطب بیانگر دیدگاه های مختلف هستند ولی ممکن است معرف کل جامعه حسابرسی کشور نباشند.
۲. محقق کنترلی بر تصمیم گیری های پرسش شوندگان در ارائه یا عدم ارائه پاسخ نداشت.

پیشنهادهای کاربردی

بر اساس یافته های این پژوهش، چهار عامل به عنوان موانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران شناخته شدند که بر اساس این موانع پیشنهاد می شود که قوانین حمایتی برای ادغام موسسات حسابرسی وضع گردد تا به این ترتیب شرکای موسسات حسابرسی به سمت ادغام جذب شوند. به علاوه آشنا کردن شرکای موسسات حسابرسی با مزایای ادغام نیز می تواند در افزایش تمایل آن ها به ادغام تاثیر بسزایی داشته باشد. از طرف دیگر، خصوصی سازی و امکان واگذاری حسابرسی شرکت های بزرگ دولتی به موسسات حسابرسی نیز می تواند موجب افزایش تمایل موسسات حسابرسی به ادغام شود. همچنین نتیجه کاربردی دیگر این تحقیق حاکی از



آن است که اکثریت شرکای موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران با تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران موافقت می‌کنند که این موضوع خود می‌تواند بسیاری از مشکلات پیش رو را سریع‌تر حل نماید.

پیشنهادها برای تحقیقات آتی

۱. بررسی ماهیت هریک از عوامل مطرح در این پژوهش و نحوه رفع آن.
۲. بررسی ادغام‌های انجام شده تاکنون، مزایا و معایب آن، آثار آن بر بازار خدمات حسابرسی.

پی‌نوشت‌ها:

1. Conglomerate
2. Revenue synergy
3. Non-synergistic theory

منابع و مآخذ:

۱. انصاری، عبدالمهدی؛ عبدالحسین طالبی نجف آبادی و نرجس کمالی کرمانی. (۱۳۹۰). "بررسی تاثیر اندازه شرکت صاحبکار، اندازه موسسه حسابرسی و میزان حق الزحمه غیر حسابرسی بر استقلال حسابرسی در شرایط ارائه همزمان خدمات حسابرسی و غیر حسابرسی از دیدگاه دانشجویان و تحلیلگران بورس اوراق بهادار". *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، سال ۳، شماره ۱۱: ۲۰-۳۵.
۲. خاکی، غلام رضا. (۱۳۸۷). *روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات بازتاب.
۳. دوانی، غلامحسین. (۱۳۸۵). *ابهام در رتبه بندی موسسات حسابرسی*. *روزنامه دنیای اقتصاد*، ۹۹۸: ۲۴.
۴. حساس یگانه، یحیی و کاوه آذین فر. (۱۳۸۹). "رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی". *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۱۷، شماره ۶۱: ۸۵-۹۸.
۵. عظیمی، حسین. (۱۳۷۱). *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران*، تهران، نشر نی.
۶. مومنی، منصور. (۱۳۸۷). *تحلیل داده‌های آماری با استفاده از SPSS*. تهران، کتاب نو.

7. Bond, D. K. (2010). The Impact of the Arthur Andersen And Ernest & Young Merger on the Australian Audit Services Market (Unpublished PhD's thesis). The University of Technology, Sydney.
8. Chen, C. J. P., X. Su & X. Wu. (2010). "Auditor Changes Following a Big 4 Merger with a Local Chinese Firm: A Case Study". *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 29(1), 41-72.
9. DeAngelo, L. E. (1981). "Auditor size and audit quality". *Journal of Accounting and Economics*, 3(3), 183-199.



10. DePamphilis D. M. (2010). *Mergers, Acquisitions, and Other Restructuring Activities: An Integrated Approach to Process, Tools, Cases, and Solutions*. Elsevier Academic Press.
11. Ferguson, A. & D. Stokes. (2002). "Brand Name Audit Pricing, Industry Specialization and Leadership Premiums Post Big 8 and Big 6 Mergers". *Contemporary Accounting Research*, 19, 77-110.
12. Fligel, R. (2007). "Unspoken Obstacles Prevent Many Accounting Firm Mergers and Sales". *The CPA Journal*, June, 10-12.
13. GAO. (2003). *Public Accounting Firms, Mandated Study on Consolidation and Competition*. GAO-03-864.
14. Greenwood, R., C. R. Hinings, & J. Brown. (1994). "Merging Professional Service Firms". *Organization Science*, 5(2), 239-257.
9. Hanlon, G. (1994). *The Commercialization of Accountancy*. New York: St. Martin's Press, Inc.
15. Harford, J. (2005). "What Drives Mergers Waves?" *Journal of Financial Economics*, 77(3), 529-560.
16. Ivancevich, S., & A. Zardkoohi. (2000). "An Exploratory Analysis of the 1989 Accounting Firm Megamergers". *Accounting Horizons*, 14(4), 389-401.
17. Jones, E. (1995). *True and Fair A History of Price Waterhouse*. London: Hamish Hamilton.
18. Kim, E. H. & V. Signal. (1993). "Mergers and Market Power: Evidence from the Airline Industry". *The American Economic Review*, 83(3), 549-569.
19. Lawrence, J. E., & Glover. (1998). "The Effect of Audit Firm Mergers on Audit Delay". *Journal of Managerial Issues*, 10(2), 151-164.
20. Liu, X. (2002). *Profit Sharing in Auditing Partnerships* (PhD's thesis). The University of British Columbia.
21. McMeeking, K. P., K. V. Peasnell, & P. F. Pope. (2007). "The Effect of Large Audit Firm Mergers on Audit Pricing in the UK". *Accounting and Business Research*, 37(4), 301-319.
22. Mullherin, J. H., & A. L. Boone. (2000). "Comparing Acquisitions and Divestitures". *Journal of Corporate Finance*, 6, 117-139.
23. Muhamad Sori, Z., & Y. Karbhari. (2006). "Auditor Reputation and Auditor Independence in an Emerging Market". Working Paper.
2419. Pong, C. K., & S. Burnett. (2006). "The Implications of Merger for Market Share, Audit Pricing and Non-Audit Fee Income". *Managerial Auditing Journal*, 21, (1/2), 7-22.
25. Rahmat, M. M., T. M. Iskandar & M. N. H. Osman. (2010). "An Analysis of Audit Fee Premium of the Merged Audit Firm in Malaysia". *American J. of Finance and Accounting (AJFA)*, 2(2), 95-118.
26. Stigler, G.J. (1950). "Capitalism and Monopolistic Competition Announced: I. The Theory of Oligopoly". *American Economic Review*, 2, 23-34.
27. Sullivan, M. W. (2000). "The Effect of the Big Eight Accounting Firm Mergers on the Market for Audit Services. US Department of Justice - Economic Analysis Group". Working Paper No. EAG 00-2.



28. Tichy, G. (2001). "What Do We Know about Success and Failure of Mergers?" *Journal of Industry, Competition and Trade*, 1(4), 347-94.
29. Wootton C.W., C.M. Wolk, & C. Normand. (2003). "An Historical Perspective on Mergers and Acquisitions by Major US Accounting Firms". *Accounting History*, 8(1), 25-60.

